

علم أصول الفقه

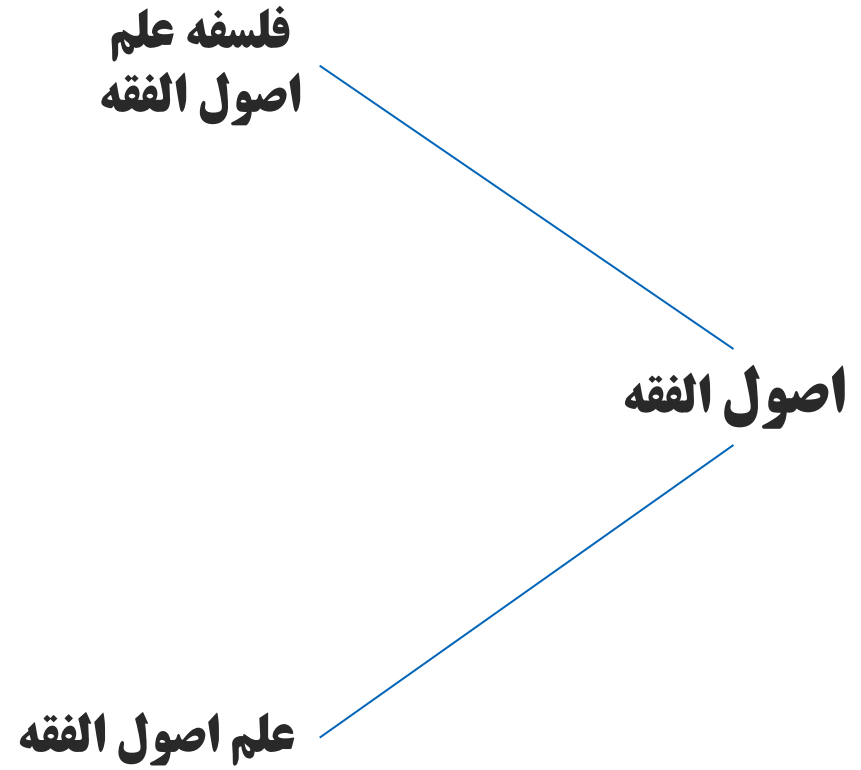
٦

١٢-٩-٩٣ روش شناسی

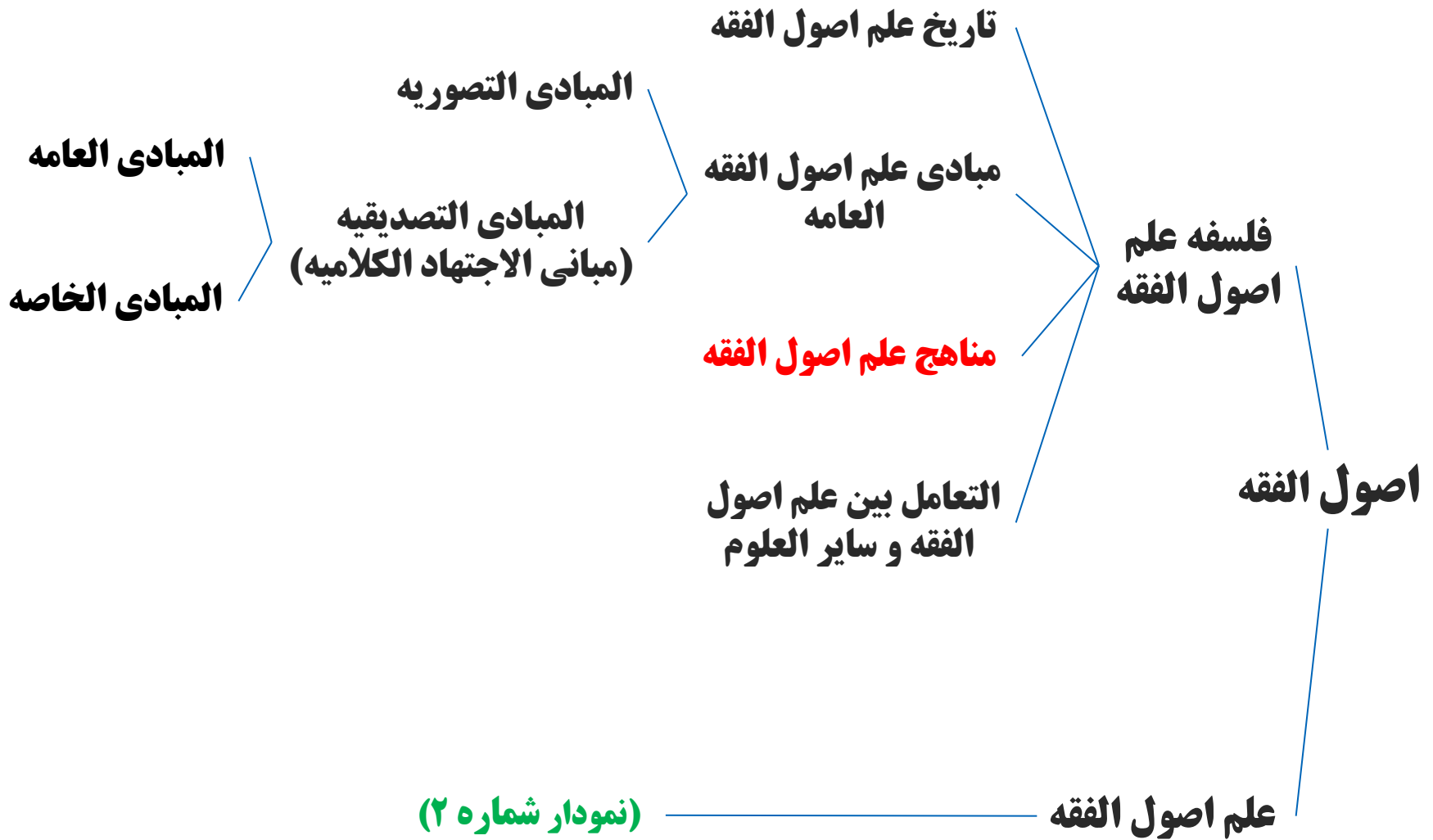
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

السب

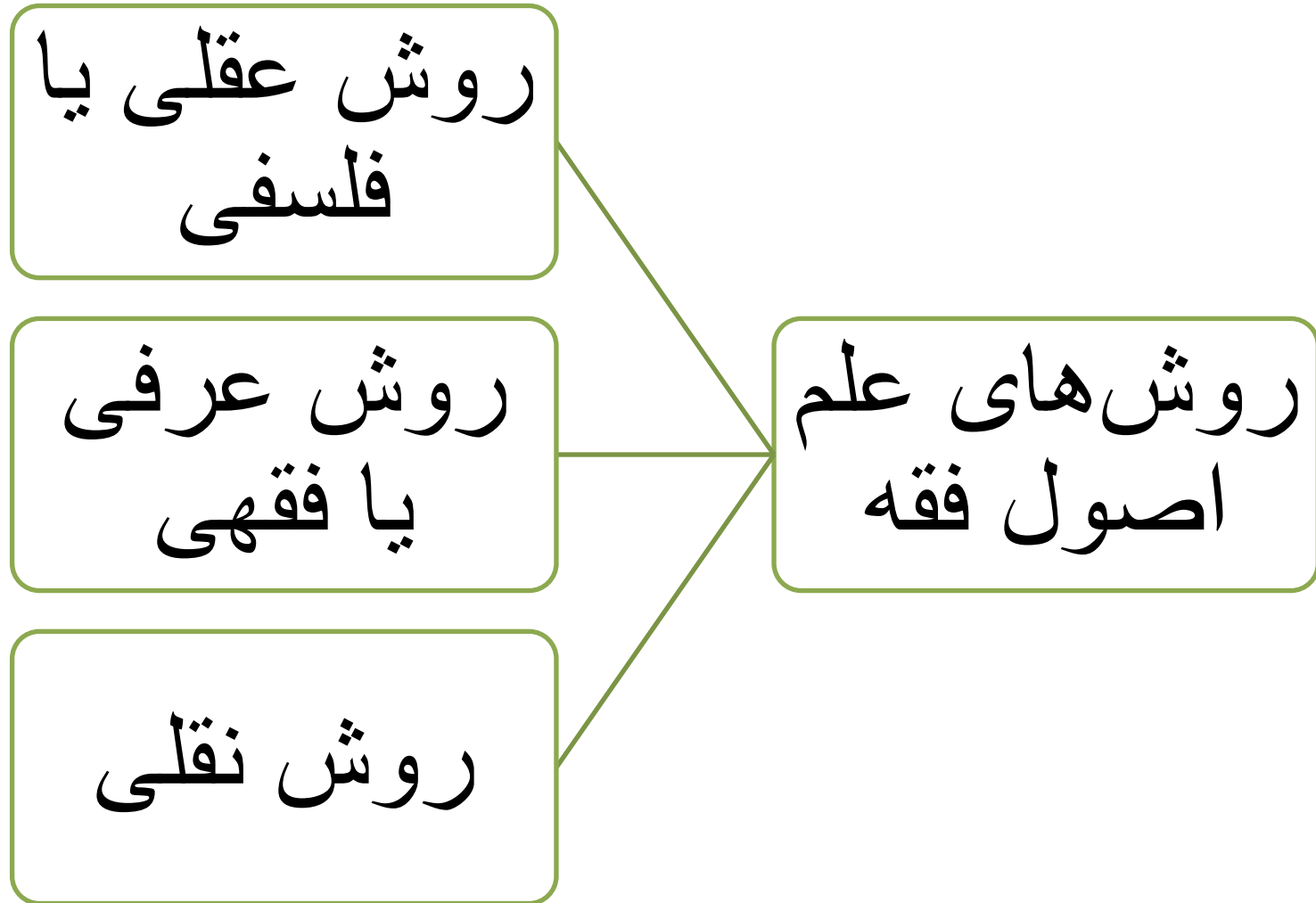
• وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي
 أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (٦٢) وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ
 أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ
 اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٦٣) يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
 حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٦٤)



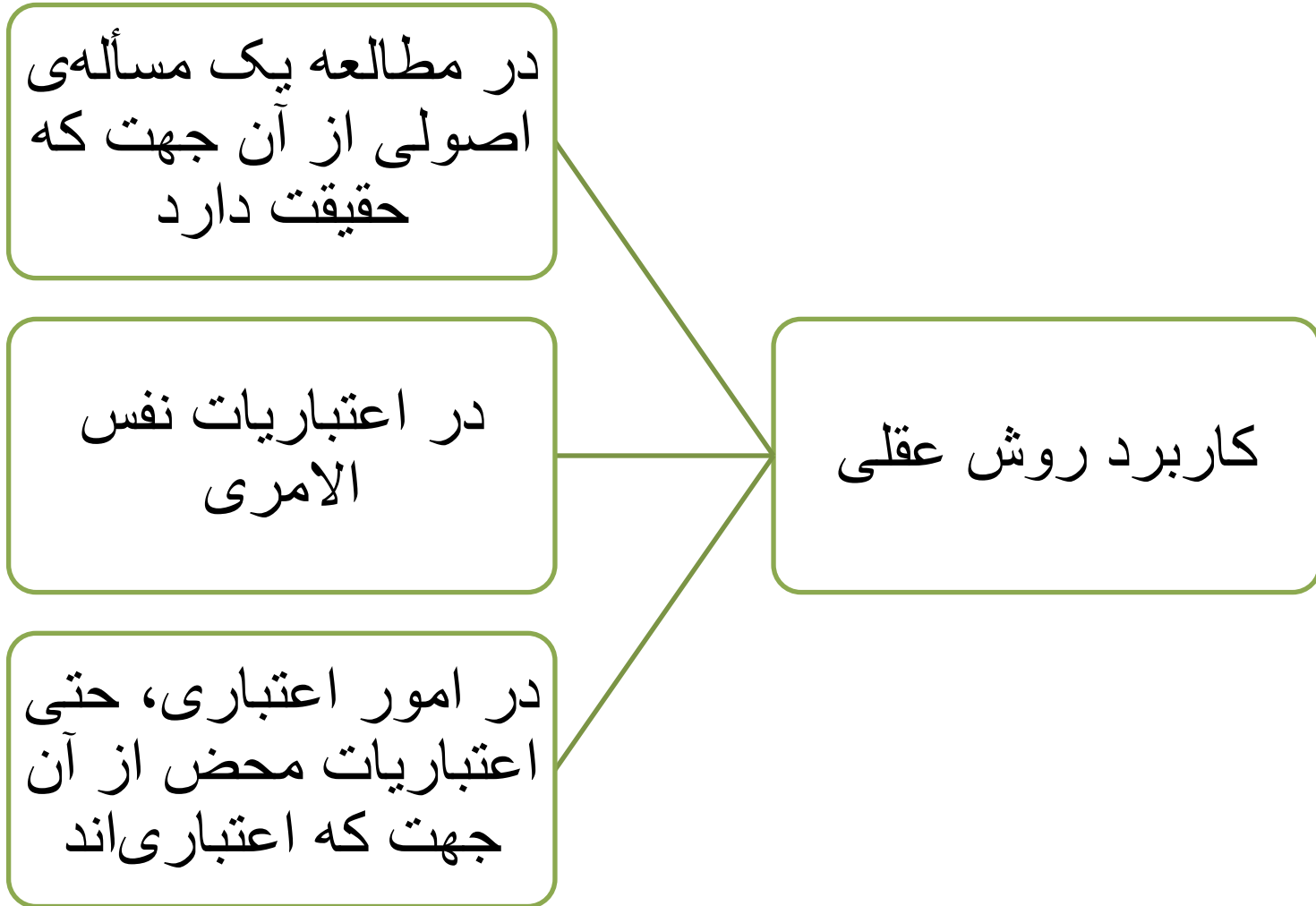
(نمودار شماره ۱)



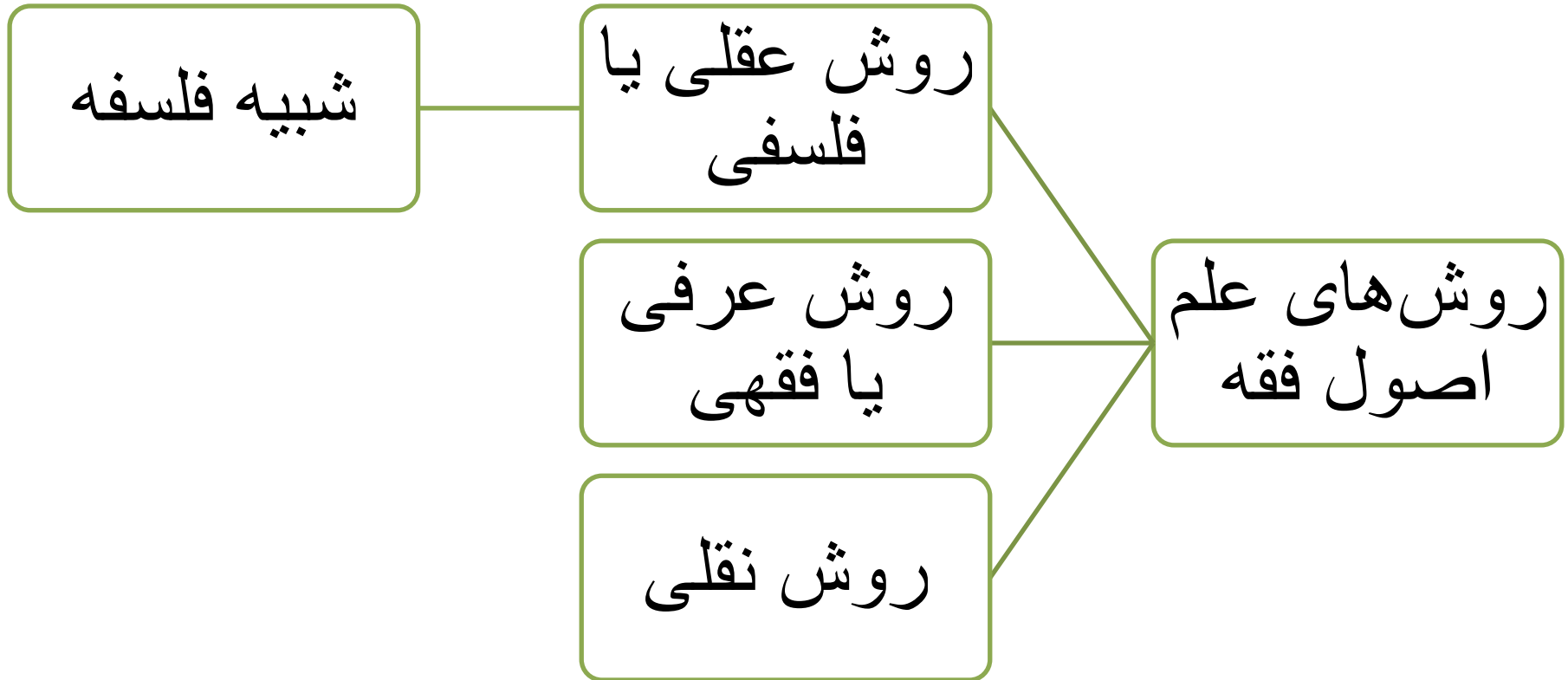
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



کاربرد روش عقلی



بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

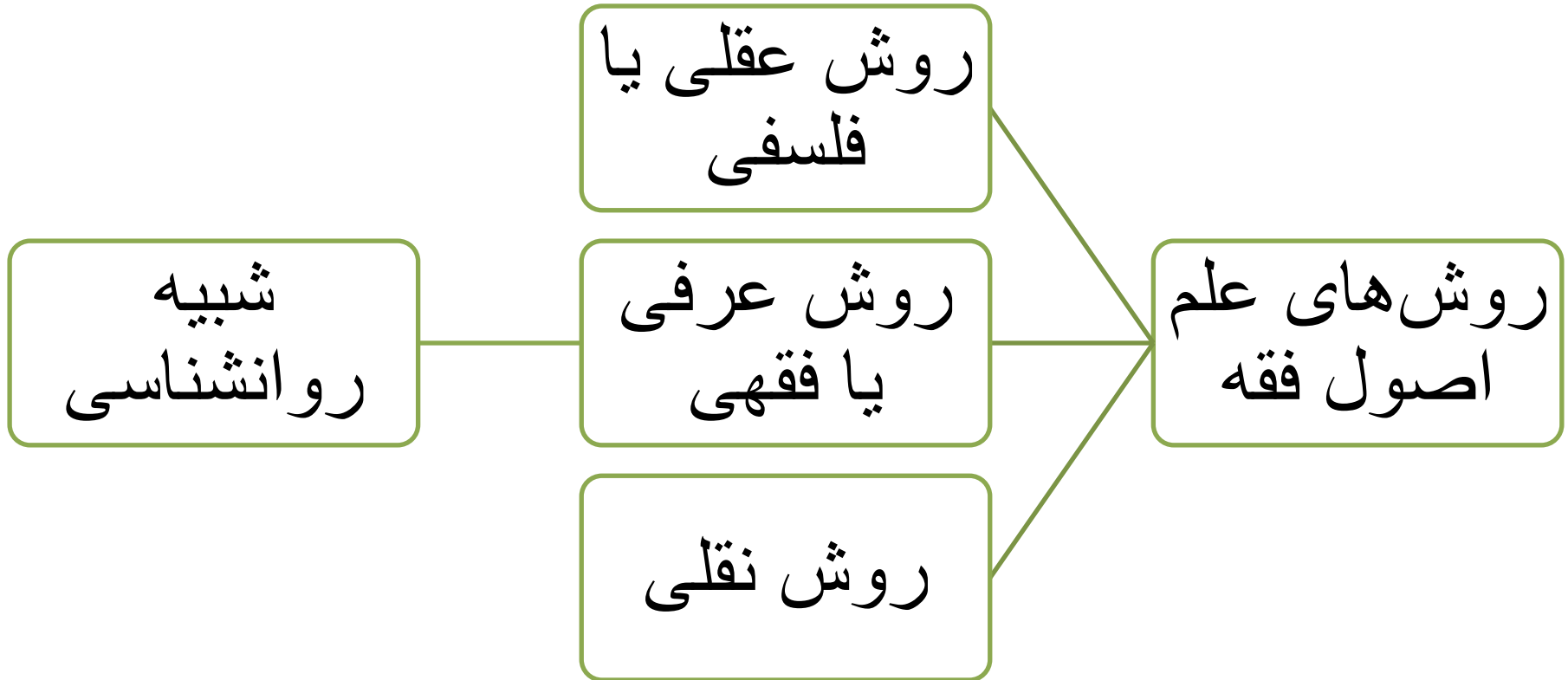


کاربرد روش عرفی

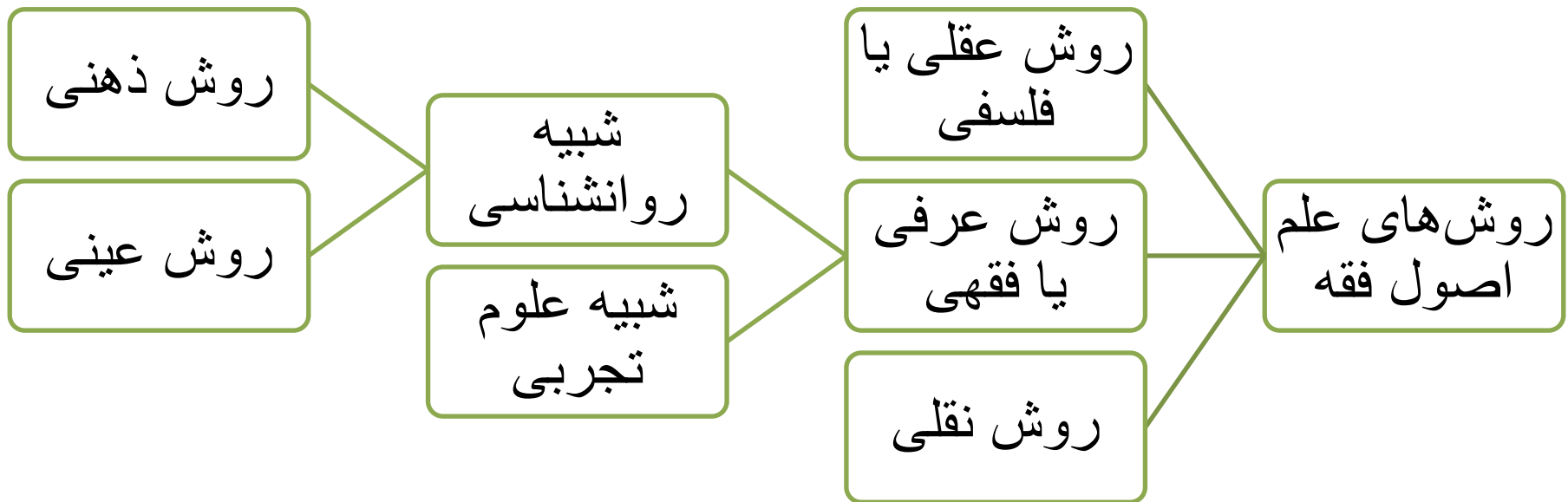
در کشف ارتکازات
عقلا و سیره‌ها

کاربرد روش
عرفی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



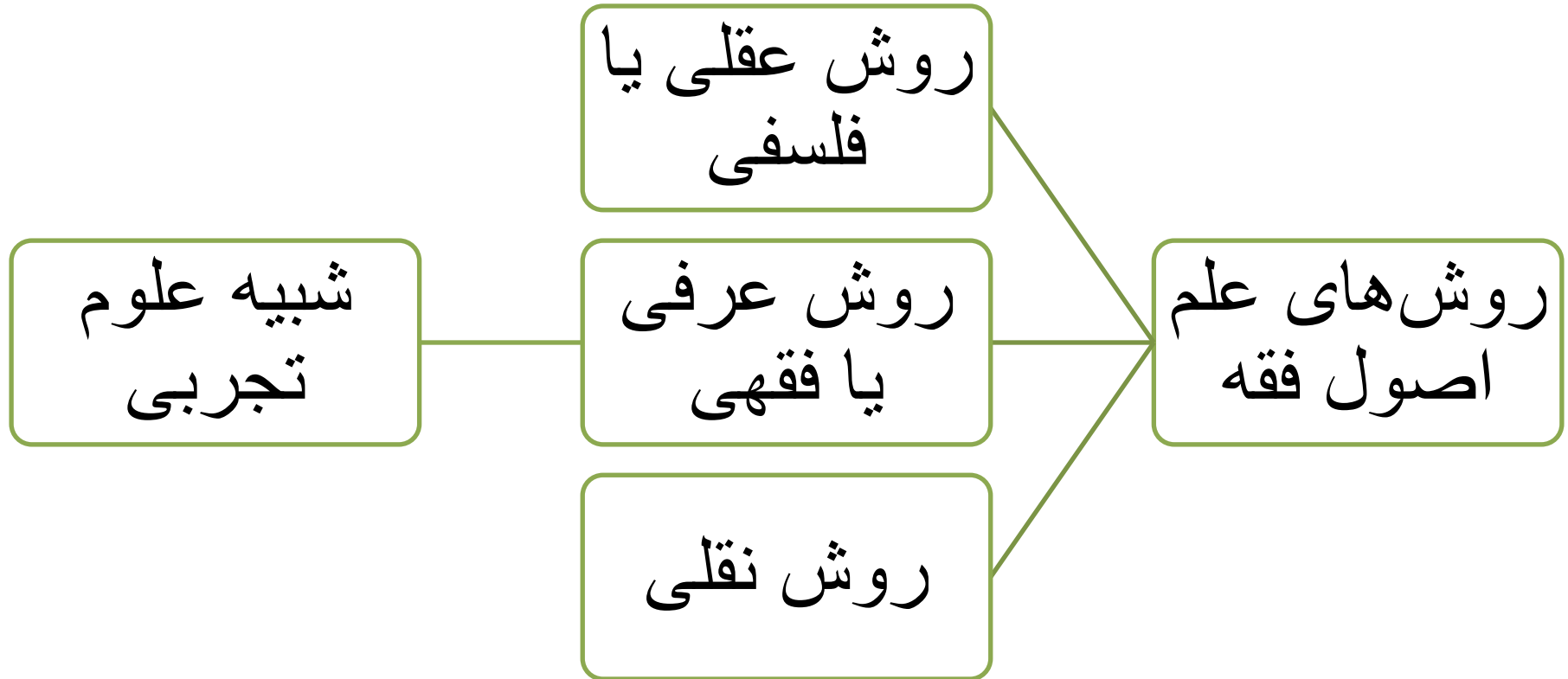
کاربرد روش عرفی

در کشف ارتکازات
عقلا و سیره‌ها

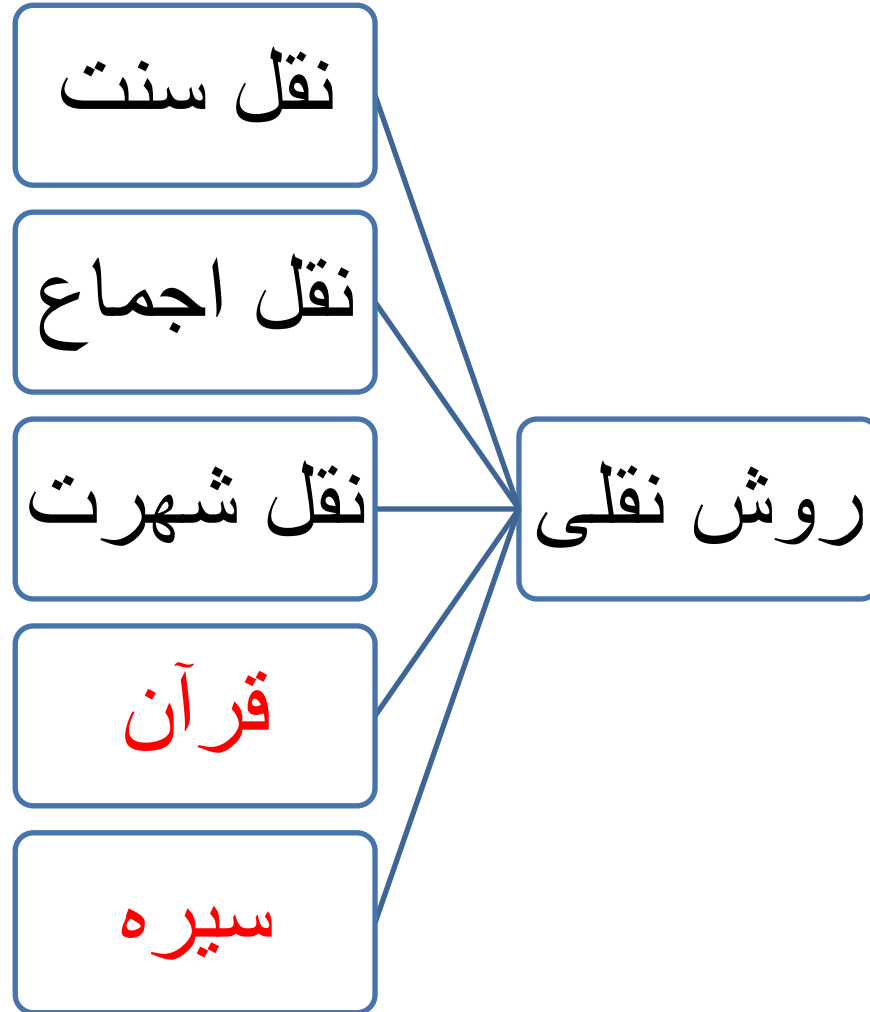
کاربرد روش
عرفی

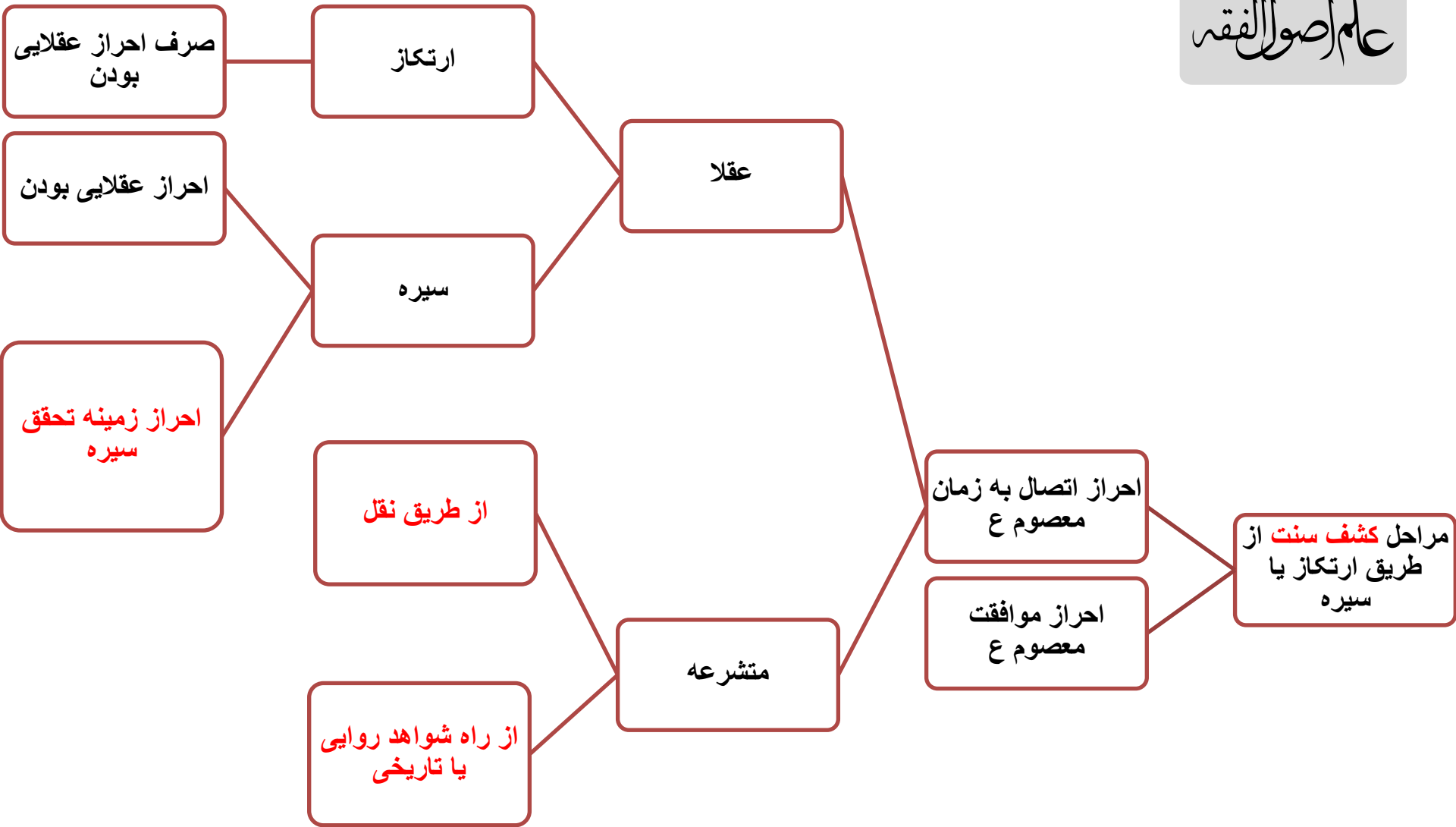
در بحوث تحلیلی
لغوی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

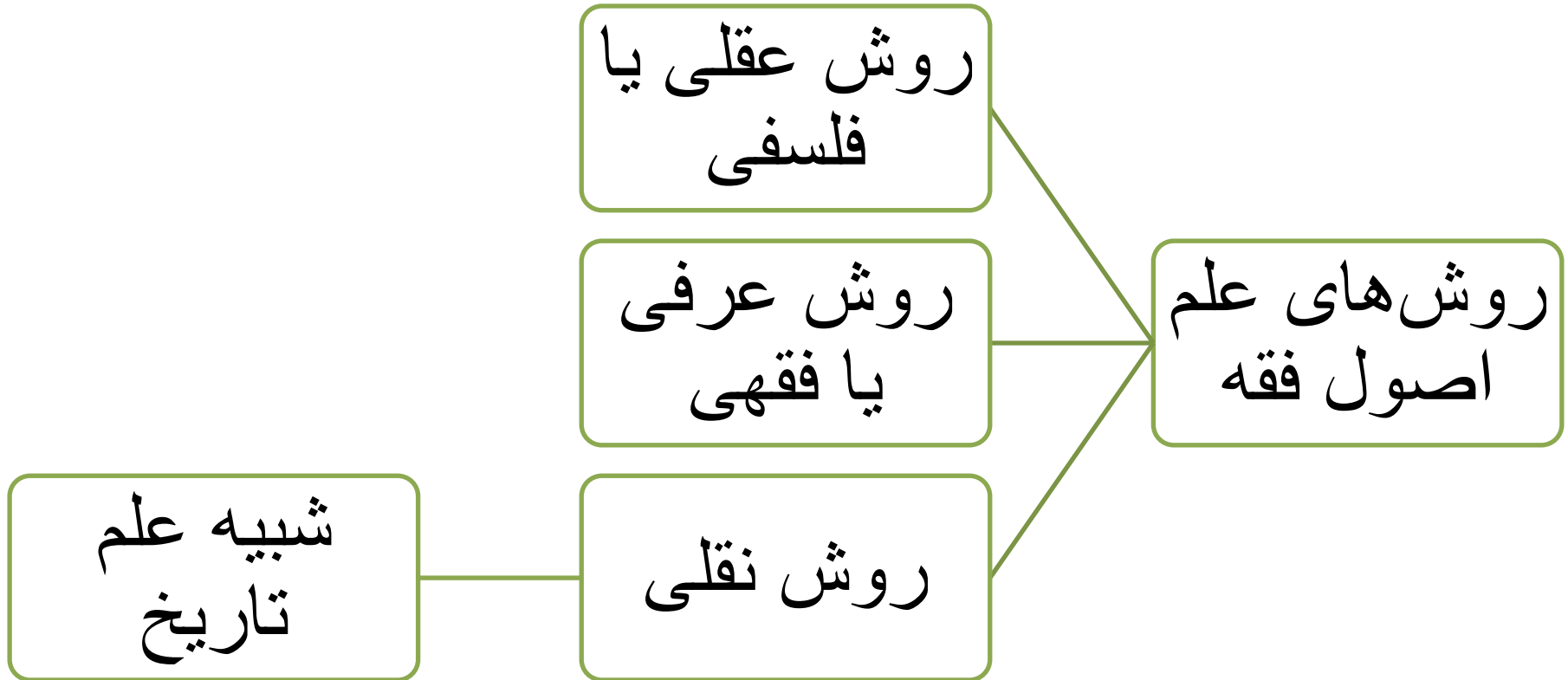


فصل سوم: روش نقلی





بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



انتقاد تاریخی

روش در علم
تاریخ

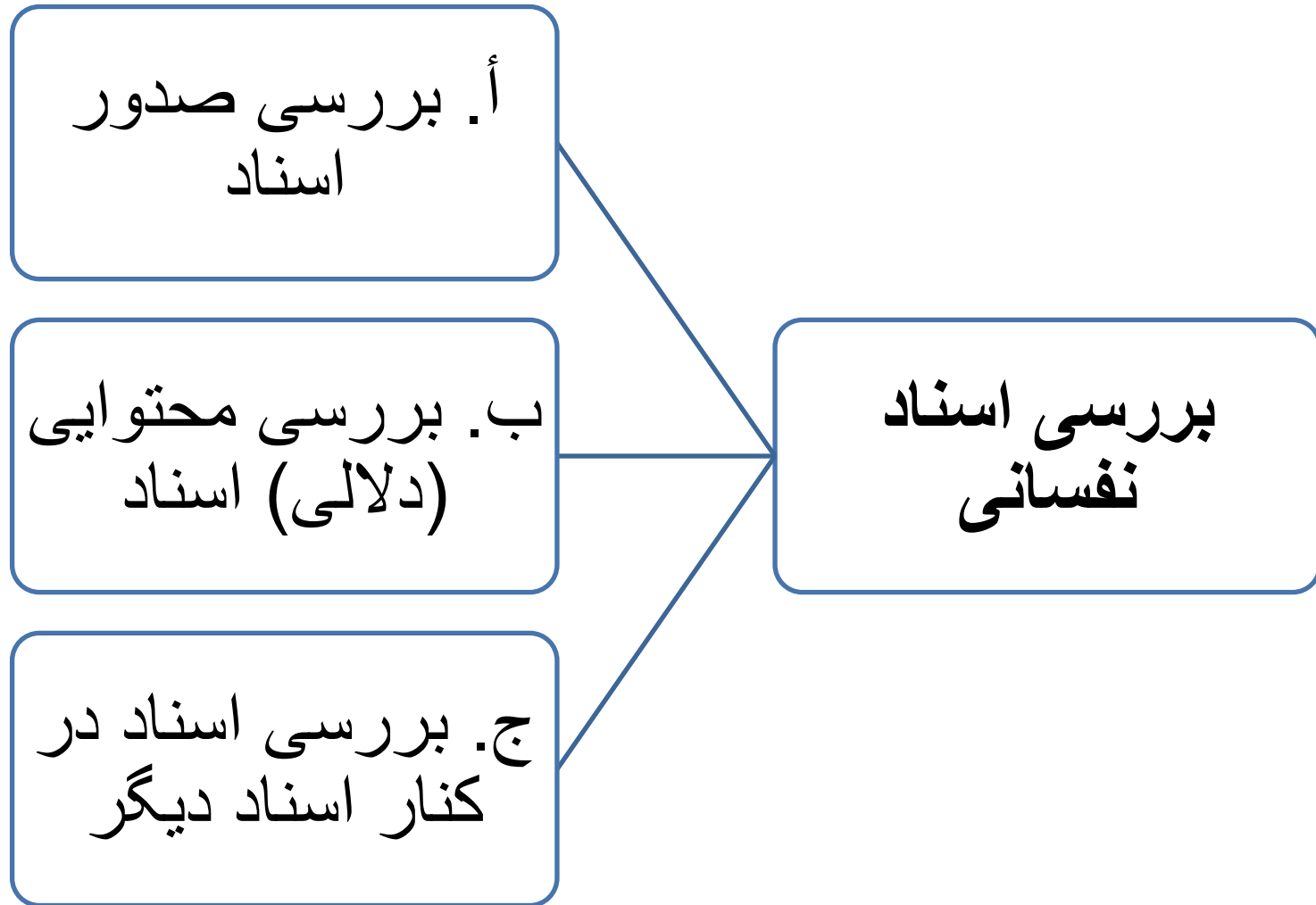
شباهت علم اصول به علم تاریخ در روش نقلی

مادی

نفسانی

اسناد

بررسی اسناد نفسانی



روش تاریخی در فلسفه‌ی علم



روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- روش تاریخی (Historical method)

- این روش، روشی نیست که در **علم تاریخ** به کار می‌رود؛ بلکه روشی است که در علوم برای مطالعه وجود دارد.

- **روش تاریخی** غیر از **روش نقلی** است که قبلاً گفتیم در علم تاریخ به کار می‌رود.

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- در این روش محقق هر مسأله از مسایل علم را از حیث تاریخ آن مسأله مورد بررسی قرار می‌دهد.
- در طی این بررسی درمی‌یابد که فرضاً یک مسأله مثل کروی بودن زمین از چه زمانی مطرح شد، چه زمینه‌های تاریخی منشأ پیدایش آن بود، آرای موجود در این مسأله تحت تأثیر چه عوامل تاریخی بود، عکس‌العمل‌هایی که احیاناً در مقابل این مسأله به وجود آمد چه بود و اختلاف علما در این مسأله چه عوامل تاریخی داشت و....

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- در علم اصول نیز این روش را می‌توان به کار گرفت و مسایل آن را از این جهت مورد بررسی قرار داد.

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- به طور مثال برای بررسی تاریخی مسأله‌ی حجیت خبر واحد، باید به سؤالاتی مثل سؤالات زیر پاسخ دهیم:
- مسأله‌ی حجیت خبر واحد از چه زمانی در علم اصول مطرح شد؟
- چه کسانی برای اولین بار به طرح این مسأله پرداختند؟
- آن افراد به چه دلیلی این مسأله را طرح کردند؟
- در زمان طرح این مسأله چه شرایط تاریخی وجود داشت؟
- آنها که به طرح این مسأله پرداخته بودند، حجیت را برگزیدند یا عدم حجیت را؟ دلیل آنها برای اثبات مدعایشان چه بود؟

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- محدوده‌ی کارآیی این روش
- در روش تاریخی، تمام پاسخ‌هایی که داده می‌شود و نتایجی که به دست می‌آید، همگی توصیفی است.
- زیرا محقق در این روش فقط از آنچه اتفاق افتاده است، گزارش می‌دهد.

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- سؤال مطرح در اینجا این است که آیا اگر یک مسأله را به این روش مورد مطالعه قرار دهیم، می‌توانیم نسبت به آن داوری هم بکنیم؟
- مثلاً آیا می‌توانیم در مسأله‌ی حجیت خبر واحد بعد از توصیف آنچه اتفاق افتاده است، به ارزیابی مسأله پردازیم و حجیت یا عدم حجیت خبر واحد را نتیجه بگیریم؟

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- واضح است در علم اصول که بحث حجیت خبر واحد را مطرح می‌کنیم، قصد ارزیابی آن را داریم. در آنجا دغدغه‌ی اصولی رسیدن به جیت یا عدم حجیت خبر واحد است و می‌خواهد بداند کدام سوی مسأله صحیح است.

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- مسلماً برای رسیدن به مقصود از روش‌های **عقلی** یا **عرفی** یا **نقلی** بهره می‌گیرد.
- یعنی اگر فرضاً مدرک حجیت خبر واحد، یک سری منقولات مثل سیره‌ها، فتاوا و روایاتی است که نقل شده‌اند، اصولی می‌تواند با روش نقلی آنها را بررسی کند و حجیت یا عدم حجیت خبر واحد را از آنها به دست آورد.
- اما با آن روش تاریخی که به معنای روشی برای مطالعه‌ی مسایل علوم است و در فلسفه‌ی هر علمی طرح می‌شود چطور؟ آیا آنجا ارزیابی ممکن است؟

روش تاریخی در فلسفه‌ی علم

- جواب این است که خیر. ارزیابی از این طریق اشتباه است.
- همان طور که گفتیم این روش فقط ارزش توصیفی دارد و نمی‌توان با آن به ارزیابی مسأله پرداخت و صحت و سقم را نتیجه گرفت و این مطلبی است که در طول توضیحات بعدی بیشتر واضح می‌گردد.

• فصل ششم

• استقراء، روش نو در اصول

استقراء، روش نو در اصول

- در بحث‌های گذشته، روش‌هایی را که در علم اصول به کار می‌رود، بیان کردیم و گفتیم: این روش‌ها، روش‌هایی بود که اصولی‌ها از گذشته تا حال به نحوی از آنها استفاده کرده‌اند.
- البته برخی از آن روش‌ها، مثل روش عقلی یا نقلی، آگاهانه و با توجه و برخی دیگر، مثل روش عرفی، به شکلی مبهم و ناخودآگاه مورد استفاده‌ی اصولی‌ها قرار گرفته است.

استقراء، روش نو در اصول

- شهید صدر در برخی مسایل علم اصول روش دیگری را به کار گرفت که قبل از وی به این شکل و با این نگاه اصلاً مطرح نبود و در واقع می‌توان گفت: این یک نوآوری در مباحث علم اصول است. آنچه او بیان نمود، کاربرد روش استقراء در مباحث اصولی است.

استقراء، روش نو در اصول

- روش عقلی که قبلاً مورد بررسی قرار دادیم، یک روش قیاسی است که در فلسفه به کار گرفته می‌شود و روشی که شهید صدر در برخی مسایل علم اصول به کار گرفت، روش استقرایی است که به صورت خاص معمولاً در علوم تجربی کاربرد دارد.
- از این رو، از روش عقلی یا فلسفی به عنوان روش قیاسی و از این روش تحت عنوان **روش استقرایی یا علمی** یاد می‌کنیم.
- و مقصود ما از روش علمی در اینجا این است که این روش به خصوص در علوم تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استقراء، روش نو در اصول

- طرح مسأله‌ی استقراء در مباحث اصول و این که می‌توان با تجمیع موارد جزئی نسبت به کلی قضاوتی نمود، باعث شد که شهید صدر با مسأله‌ی معرفت‌شناسی استقراء درگیری پیدا کند و در صدد پاسخ به این سؤال بر آید که آیا استقراء به لحاظ معرفت‌شناختی می‌تواند مفید یقین باشد یا خیر؟

استقراء، روش نو در اصول

- کتاب الاسس المنطقيه للاستقراء حاصل درگیری وی با این مسأله است. خاستگاه این کتاب، مباحث اصولی بود.
- در واقع شهید صدر ابتداءً بحث کاربرد استقراء را در اصول مطرح کرد و بیان نمود که با حساب احتمالات، احتمال تقویت پیدا می‌کند و انسان به یقین یا اطمینان منتهی می‌شود.
- در پی ارایه‌ی این بحث در درس اصول، پرسش‌ها و اشکالاتی مطرح گردید که در نهایت به تدوین کتاب الاسس منتهی شد.

استقراء، روش نو در اصول

- این بحث در فلسفه‌ی علم هم به شدت مطرح است و فیلسوفان علم متأخر، مثل پوپر در باب استقراء بحث‌های مفصلی کردند.

استقراء، روش نو در اصول

- تدوین این کتاب نتیجه‌ی بحث‌هایی است که بین شهید صدر و یکی از شاگردان برجسته وی - سید کاظم حائری - صورت گرفته است. سید کاظم حائری حفظه الله که تقریباً هم سن شهید صدر بود، بعد از طرح استقراء، به استاد خویش اشکال کرد. اشکالات وی در جلساتی که به صورت خصوصی بین او و شهید صدر برگزار می‌شد، ادامه یافت. در آن جلسات شاگرد اشکال می‌کرد و استاد پاسخ می‌داد و تمام اشکالات و پاسخ‌ها توسط شاگرد، یادداشت می‌شد. شهید صدر بعد از اتمام بحث، تمام آن یادداشت‌ها را گرفت و کتاب الاسس را تدوین نمود.